

اشاره

در راستای دانش‌افزایی منابع انسانی و به منظور افزایش فرصت و دسترسی با هدف توسعه عدالت آموزشی و بهبود تنوع در شیوه‌های ارائه محتوای آموزشی و غنا بخشیدن به محتوای آنها با همکاری مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی بهره‌گیری از امکانات و فرصت مجلات رشد، دوره آموزشی زیر ارائه می‌شود.

همکاران گرامی می‌توانند در صورت عدم دسترسی به نسخه چاپی مجلات از فایل الکترونیک مجلات مندرج در وبگاه مجلات رشد بهره‌برداری کنند.



مستند خدمت

عنوان دوره: نقش آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی در توسعه

کد دوره: ۹۳۰۰۱۲۰۱

زمان دوره: ۱۶ ساعت

مخاطبان: هنر آموز، سرپرست بخش، رئیس هنرستان، معاون هنرستان

با تشکر از: احمد دانشفر

آموزش

احمد شریفان

کارشناس ارشد سنجش و اندازه‌گیری

اشاره

در آموزش شایستگی محور، کسب دانش و مهارت‌های خاص در واقع پیشرفت یادگیرنده تلقی می‌شود. بنابراین، ملاک تحقق هدف‌های آموزشی برنامه، کسب قابلیت‌ها و شایستگی‌های از پیش تعیین شده در برنامه درسی توسط یادگیرنده است؛ به طوری که در ضمن و پایان دوره آموزش به تناسب بتواند وظایفی را که برعهده می‌گیرد انجام دهد. به همین دلیل در این نوع آموزش، سنجش و ارزش‌یابی ملاک محور است؛ یعنی تسلط یادگیرنده بر دانش و مهارت‌های آموزش داده شده، ملاک موفقیت او به‌شمار می‌آید. در این مقاله، تلاش شده است تا سنجش و ارزش‌یابی مبتنی بر رویکرد شایستگی محور (یعنی سنجش ملاک محور) همراه با مثال توضیح داده شود.

کلیدواژه‌ها: سنجش، ارزش‌یابی، رویکرد شایستگی محور، آزمون‌های

ملاک محور، آزمون

سنجش و ارزش‌یابی مبتنی بر رویکرد شایستگی محور در مهارت‌آموزی

رویکرد شایستگی محور^۱ به چه معناست؟

همان‌طور که می‌دانیم در نظام آموزش غیرشایستگی محور، زمان واحد پیشرفت تلقی می‌شود و آموزش، یاددهنده (هنرآموز) محور است اما در آموزش مبتنی بر شایستگی، کسب دانش و مهارت‌های خاص واحد پیشرفت محسوب می‌شود و آموزش، یادگیرنده (هنرجو) محور است. دو اصطلاح اساسی مهارت^۲ و شایستگی^۳ در رویکرد شایستگی محور برای مهارت‌آموزی مورد استفاده قرار می‌گیرند (سالیوان^۴، ۱۹۹۵ ترجمه شریفان، ۱۳۸۸). این رویکرد برنامه درسی مبتنی بر تحلیل تسلسلی شایستگی به شرح زیر است:

- شناسایی همه وظایف یا کارهایی که باید برای آن آمادگی فراهم شود.
- تعیین اینکه برای عمل به این وظایف و کارها، فرد چه چیزی را باید بداند و انجام دهد.
- قرار دادن وظایف و کارها در دوره‌های آموزشی مناسب.

- تعیین شرایط و ملاک‌های سنجش پیشرفت یادگیرنده؛
 - تهیه برنامه آموزشی برای یادگیری یادگیرنده و نحوه ارزش‌یابی هر یک از شایستگی‌ها؛
 - سنجش شایستگی‌های یادگیرنده از نظر کسب دانش، مهارت و نگرش‌ها با استفاده از تکالیف عملکردی؛ و
 - پیشرفت یادگیرندگان به واسطه برنامه آموزشی، با توجه به ملاک‌های تحقق شایستگی‌های مورد نظر برنامه.
- همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در نظام آموزش شایستگی محور، یادگیرنده ضمن و در پایان دوره آموزش به قابلیت‌های مورد نیاز برای عمل کردن به وظایف شغلی دست می‌یابد. بنابراین، ملاک تحقق هدف‌های آموزشی برنامه، کسب قابلیت‌ها و شایستگی‌های از پیش تعیین شده در برنامه مهارت‌آموزی توسط یادگیرندگان است. به عبارت دیگر، تسلط یادگیرندگان بر مهارت‌های آموزش داده شده، ملاک موفقیت آنان به‌شمار می‌آید.

سنجش و ارزش‌یابی در مهارت‌آموزی شایستگی محور

ارزش‌یابی در آموزش‌های غیرشایستگی محور، براساس آزمون‌های دانش محور صورت می‌گیرد. در صورتی که مهارت‌آموزی شایستگی محور نه تنها بر سنجش تسلط یادگیرندگان در اطلاعات مورد نیاز؛ بلکه بر اندازه‌گیری تسلط آنان بر مهارت‌های آموزش داده شده استوار است. به همین دلیل، فویستر^{۱۰} (۱۹۹۰) معتقد است که سنجش در برنامه‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور، باید ملاک محور باشد؛ یعنی وابسته به ملاک‌هایی باشند که بر پایه شایستگی‌های مورد نظر تعیین شده‌اند. علاوه بر این، ریچارد^{۱۱} (۱۹۸۵) بر این باور است که برای سنجش شایستگی‌های کسب شده توسط یادگیرندگان، باید با استفاده از نشانه‌های تحقق شایستگی‌ها در قالب فهرست‌های واری و مقیاس‌های درجه‌بندی؛ شایستگی‌های یادگیرندگان را ضمن کار در شرایط و موقعیت‌های شبیه‌سازی شده و یا بررسی نمونه کار آنان مورد سنجش و ارزش‌یابی قرار داد.

سنجش ملاک محور^{۱۲}

در سنجش وابسته به ملاک، ملاک سنجش از پیش تعیین می‌شود و عملکرد یادگیرنده با توجه به آن معیار یا ملاک مورد

- سازمان‌دهی سلسله مراتبی اطلاعات و مهارت‌های لازم برای هر وظیفه یا کار.

- تعیین اینکه برای مهارت‌یابی در هر وظیفه یا کار، فرد چه چیزهایی را باید بداند.

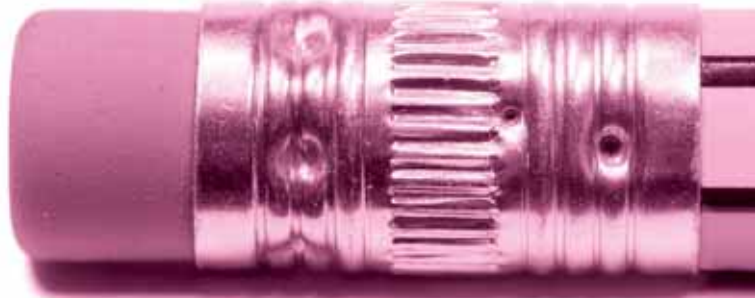
معمولاً نتیجه این تحلیل وظایف که به صورت هدف‌های عملکردی^۵ بیان می‌شود، داده‌های لازم را برای یک نظام آموزشی فراهم می‌آورد. بر این پایه، فعالیت‌های یادگیری برای دستیابی به هر هدف، طرح‌ریزی می‌شود و عملکرد یادگیرنده مبنایی تلقی می‌شود که به منظور پیشروی از یک هدف به هدف دیگر (مثلاً در آموزش ماشین‌نویسی، یادگیرنده باید دانش خود را در شناخت دکمه‌ها قبل از پیشروی به سوی تسلط در شکل‌های خاصی از ماشین‌نویسی به نمایش بگذارد) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، آموزش شایستگی محور از طریق یادگیری وظایف، فعالیت‌ها، مهارت‌های خاص تسلسلی و قابل نمایش، که نشان‌دهنده اعمالی است که باید به وسیله یادگیرنده یاد گرفته و اجرا گردد، مشخص می‌شود (سیلور^۶، الکساندر^۷، ولونتیس^۸، ۱۹۸۰ ترجمه خوی‌نژاد، ۱۳۸۰).

نورتین^۹ (۱۹۸۷) به نقل از سالیوان (۱۹۹۵) پنج عنصر اساسی نظام مهارت‌آموزی شایستگی محور را به شرح زیر توصیف می‌کند:

- تعیین و تعریف دقیق شایستگی‌های مورد نظر برنامه؛

قضاوت قرار می‌گیرد. در این نوع سنجش، هدف‌های آموزشی یا استانداردهای از پیش تعیین شده ملاک مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع در این نوع سنجش، از یادگیرنده انتظار می‌رود که به سطح خاصی از عملکرد برسند.

گولیکسون^{۱۳} (۲۰۰۳) از سنجش به صورت فرایند جمع‌آوری اطلاعات درباره یادگیرندگان به منظور کمک به تصمیم‌گیری درباره رشد و پیشرفت آنان یاد می‌کند؛ و سنجش ملاک‌محور را به مفهوم تفسیر عملکرد یادگیرنده در ارتباط با استانداردهای از پیش تعیین شده تعریف می‌کند. یعنی میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی یادگیرنده، با توجه به آنچه که معلم آموزش داده است، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. در واقع، کسب موفقیت در آزمون‌هایی که مبتنی بر ملاک‌اند، نیازمند یادگیری هدف‌های آموزشی در سطحی است که معلم یا برنامه تعیین کرده است. اطلاعات مورد نیاز برای این‌گونه سنجش را می‌توان از راه‌های گوناگونی از جمله آزمون، پرسش‌نامه، مقیاس درجه‌بندی، فهرست‌واری، پروژه پژوهشی،



امتحان شفاهی، کار در آزمایشگاه تکلیف درسی، مصاحبه، و مشاهده عملکرد یادگیرنده در موقعیت‌های مختلف به دست آورد. برای ملموس شدن مفهوم سنجش ملاک محور به مثال زیر توجه کنید:

فرض کنید ملاک موفقیت در یک دوره آموزش ماشین‌نویسی به این شرح تعیین شده است: بعد از ده دقیقه آموزش، یادگیرنده باید بتواند در هر دقیقه ۶۰ کلمه را با حداکثر ۵ اشتباه از روی یک متن دست‌نویس ماشین کند.

بنابراین، اگر یادگیرنده بعد از طی دوره زمانی موردنظر توانست متنی را که به او داده شده است با حداکثر ۵ اشتباه در هر ۶۰ کلمه در دقیقه ماشین کند می‌توان گفت که او به هدف آموزشی برنامه دست یافته و میزان پیشرفت او موفقیت‌آمیز بوده است. به معنای دیگر، می‌توان گفت که یادگیرنده به توانایی، قابلیت شایستگی موردنظر برنامه دست یافته است.

با توجه به مطالبی که از نظر گذشت، می‌توان برخی از ویژگی‌های بارز این نوع سنجش را چنین برشمرد:

– در سنجش ملاکی هدف این است که مشخص شود یادگیرنده چه مقدار از آنچه را که قرار بوده است بیاموزد، آموخته است؛ یا تا چه اندازه قادر به انجام وظیفه‌ای است که به او واگذار شده است.

– سنجش ملاکی به‌طور عمده در سنجش پیشرفت تحصیلی، که به منظور تعیین میزان موفقیت یادگیرنده در رسیدن به هدف‌ها یا انتظارات آموزشی از پیش تعیین شده اجرا می‌شود (مانند امتحانات ملاک‌محور در طول و پایان برنامه)، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

معمولاً نتیجه این تحلیل وظایف که به صورت هدف‌های عملکردی بیان می‌شود، داده‌های لازم را برای یک نظام آموزشی فراهم می‌آورد

– در سنجش ملاکی، ملاک موفقیت یادگیرنده عمدتاً همان هدف‌های دقیق آموزشی است که از پیش تعیین شده و عملکرد یادگیرنده، با توجه به آن، مورد سنجش و قضاوت قرار می‌گیرد. لذا با در نظر گرفتن ویژگی‌های بارز سنجش ملاک‌محور، می‌توان چنین اظهار داشت که اساس این نوع سنجش در رویکرد، هدف‌های آموزشی و سایر عناصر برنامه درسی نهفته است. به‌طوری که برنامه‌ریزی از همان ابتدا باید ملاک موفقیت (کسب توانایی، قابلیت یا شایستگی) را به گونه‌ای تعیین و تعریف کند که در پایان دوره آموزش، یادگیرندگان آموزش دیده دانش و مهارت‌های موردنظر برنامه را کسب کنند و بتوانند مشاغل و وظایف خاصی را که برعهده می‌گیرند، انجام دهند. در مقاله‌های آینده بیشتر به این نوع سنجش همراه با مثال‌های متعدد پرداخته خواهد شد.

پی‌نوشت

1. Competency-Based Approach

۲. تکلیف یا گروهی از تکالیف عملکردی است که سطح خاصی از شایستگی یا قابلیت را شکل می‌دهند و اغلب برای اجرای آنها نیازمند استفاده از ابزار و وسایل هستند.

۳. توانایی عمل به یک مهارت برای دستیابی به یک ملاک، تحت شرایط خاص

4. Sullivan

۵. هدف‌های قابل مشاهده و اندازه‌گیری

6. saylor

7. Alexander

8. Lewis

9. Norton

10. Foyster

11. Richard

12. Criterion-referenced assessment

13. Gullickson

منابع

۱. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). سنجش فرایند و فراورده یادگیری: روش‌های قدیم و جدید. تهران: دوران

۲. سالیوان، ریک. (۱۹۹۵). رویکرد شایستگی‌محور در مهارت‌آموزی (ترجمه و تلخیص احمد شریفان)، مجله رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۸

۳. سیلور، گالن‌جی؛ الکساندر، ویلیام ام؛ و لوئیس، آرتور جی (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر (ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد)، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی (سال انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۰)